

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث دیروز درباره خبر مفضل بن عمر بود که خیر اول از باب ۱۲ از ابواب مایمسک عنه الصائم ص ۳۷ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی می باشد، این خبر دلالت داشت بر اینکه اگر زوج زوجه خود را اکراه بر آمیزش کند در حالی که هر دو روزه هستند باید ۵۰ ضربه تازیانه به او زده شود و اگر به اختیار خودشان این کار را انجام دادند باید به هر یک ۲۵ ضربه تازیانه زده شود چون در ماه رمضان روزه خودشان را به این ترتیب باطل کرده اند. صاحب عروءه به صورت کلی این حکم را بیان کرده و گفته هر کس روزه خود را در ماه رمضان افطار کند باید با ۲۵ ضربه تازیانه تعزیر شود و تنها دلیل بر این حکم فقط همین خبر مفضل می باشد، چون در صحیحہ بریدالعجلی که قبلاً خواندیم گفته شده بود « فَإِنْ عَلِيَ الْإِمَامُ أَنْ يَنْهَكَ ضَرْباً » که تنها اشاره به عقوبت امام دارد، و اینکه چه اندازه باید تازیانه زده شود در روایت برید اشاره ای به آن نشده است و فقط در خیر مفضل ۲۵ ضربه تازیانه ذکر شده. عرض کردیم که درباره خبر مفضل سه نظریه وجود دارد؛ اول نظر آقای خوئی بود که فرمودند خبر مفضل ضعیف است و از درجه اعتبار ساقط است فلذا هر کس روزه خود را عالمماً و عامداً لا مستحلاً افطار کند هر اندازه که حاکم شرع صلاح بداند باید آن شخص روزه خوار را تعزیر کند و مقدار مشخصی مثلاً ۲۵ ضربه تازیانه ثابت نمی باشد. دوم نظر اکثر محشین و شراح عروءه بود که گفتند این حکم ۲۵ ضربه تازیانه فقط در صورت افطار روزه با جماع ثابت است و در دیگر مفطرات این حکم ثابت نمی باشد و خبر مفضل هم ضعف سند دارد ولی عمل علماء و فقهاء به آن خبر ضعفش را جبران می کند که این قول موافق نظر بنده هم می باشد. سوم نظر خود صاحب عروءه بود که حکم را تعمیم داده بودند و گفته بودند که هر کس روزه خود را عالمماً و عامداً لا مستحلاً چه با جماع و چه با غیر جماع افطار کند باید با ۲۵ ضربه تازیانه تعزیر شود. مطالبی را که تا به حال صاحب عروءه درباره صوم ذکر کرده و ما

خوانده ایم در جواهر و شرایع و غیرهما به این ترتیب ذکر نشده بلکه صاحب جواهر ابتدا مفطرات را ذکر کرده و بعد چند مسئله دارد که در مسئله ۱۲ و ۱۳ این مطالب را ذکر کرده، حالا چند آدرس برای مطالعه شما عرض می کنم؛ مطالب مذکور در جواهر جلد ۱۶ ص ۳۰۷ ذکر شده و در ریاض در جلد ۵ ص ۳۸۹ و در مسند نراقی در جلد ۱۰ ص ۵۲۹ ذکر شده. قابل ذکر است که صاحب جواهر هم تبعاً للشرایع روایت را به خاطر عمل علماء معتبر می داند و حکم ۲۵ ضربه تازیانه را فقط در صورت جماع ثابت می داند. صاحب عروءه در ادامه بحث می فرماید که: « فَإِنْ عَادَ عَزْرٌ ثَانِيًا فَإِنْ عَادَ قَتَلَ عَلَى الْأَقْوَى » یعنی در دفعه دوم هم تعزیر می شود ولی اگر برای بار سوم تکرار کرد علی الأقوی باید کشته شود، پس تعزیر در دفعه اول و دوم مسلم و ثابت است منتهی طبق مبنای صاحب عروءه ۲۵ ضربه تازیانه مطلقاً ثابت است ولی طبق مبنی ما و مشهور فقط در جماع ۲۵ ضربه تازیانه ثابت است و در غیر جماع یعزر بما يراه الحاكم ثابت است. (اشکال و پاسخ استاد): إلغاء خصوصیت در اینجا معلوم نیست که مؤثر باشد چون اگر چند مفطر را در یک ردیف ذکر کردند دلیل بر آن نیست که حکم تمامی آنها در همه جا یکسان باشد و فقهاء هم این مطلب را فرموده اند. این بحث چون خیلی با حدود مرتبط می باشد فلذا در اینجا چند مسئله از کتاب الحدود را مطرح می کنم تا ارتباط این مباحث با حدود روشن شود، در جلد ۱۸ و سائل ۲۰ جلدی در باب اول از ابواب مقدمات الحدود و أحكامها العامة یعنی «باب وجوب أقامتها بشروطها وتحريم تعطيلها» روایات فراوانی وجود دارد که دلالت دارند بر اینکه واجب است حد اقامه شود و تعطیلش هم حرام است، مثلاً پیغمبر (صلی الله علیه وآله) فرموده اند که: «حد قیام فی الأرض أزرکی فیها من مطر أربعین لیلة وأيامها» اگر یک حدی اقامه شود از چهل روز باران مؤثرتر و پر برکت تر خواهد بود. همچنین در باب دوم از ابواب مقدمات حدود یعنی «باب أن کل من خالف الشرع فعلیه حدّ أو تعزیر» و باب پنجم از ابواب مقدمات حدود یعنی «باب أن صاحب الکبیرة إذا أقیم علیه الحدّ مرتین قتل فی الثالث إلا

أما موثق می باشد ، عن سماعة ، که از روایت بسیار بزرگ است. خبر مضمره می باشد، سماعة در این روایت چند مطلب را از امام (علیه السلام) سؤال کرده که در دفعه اول اسم امام (علیه السلام) را برده و در دفعات بعد سألته و سألته آورده و دیگر اسم امام را ذکر نکرده و چون صاحب وسائل اخبار را تقطیع کرده فلذا این سألته در اینجا مضمره است ولی مضمره های سماعة مورد اعتماد است « قال : سألته عن رجل اخذ في شهر رمضان وقد أفطر ثلاث مرات وقد رفع إلى الامام ثلاث مرات ، قال : يقتل في الثالثة » این خبر دلالت دارد براین که در دفعه سوم باید کشته شود. همچنین در صحیحہ ابی بصیر در همین باب در ص ۱۷۹ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی به این مطلب اشاره شده. اخبار زیادی با همین مضمون در باب حدود داریم که ما یکی از آنها یعنی صحیحہ یونس که خبر اول از باب ۵ از ابواب مقدمات حدود واقع در ص ۳۱۳ از جلد ۱۸ وسائل ۲۰ جلدی می باشد رابرایتان می خوانیم، خبر این است : محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن صفوان عن یونس عن أبي الحسن الماضي، که به موسی بن جعفر (علیه السلام) می گفتند، خبر سنداً صحیح است، « قال أصحاب الكبراء كلها إذا أقيم عليهم الحد مرتين قتلوا في الثالثة ». این یک قاعده کلی می باشد هرچند که در مورد حد است ولی تعزیر هم همین حکم را دارد بنابراین قول مشهور و این روایات دلالت دارند براین که در مرتبه سوم باید کشته شود، اما شیخ طوسی در مبسوط گفته: إن اصحاب الكبراء يقتلون في الرابعة وروایت مرسلی را در این زمینه ذکر کرده که فقهای ما به آن عمل نکرده اند چون این مرسلات در مقابل این روایات صحیحہ قرار دارند. صاحب عروة بعد از ذکر قول أقوى می فرماید : وإن كان الأحوط قتله في الرابعة، که این جمله باعث بوجود آمدن حرفهای زیادی شده چرا که بعد از اینکه روایات زیادی وجود دارند که دلالت دارند براینکه در حدود در دفعه سوم باید کشته بشود دیگر این احتیاط چه معنایی می تواند داشته باشد؟ یعنی ما در جایی احتیاط می کنیم که دلیل محکم در

الزانی ففي الرابعة » و باب ۲۴ از ابواب مقدمات حدود یعنی « باب أنه لا يمين في حد وأن الحدود تدرأ بالشبهات » و باب ۲۸ از ابواب مقدمات حدود یعنی « باب أن إقامة الحدود إلى من إليه الحكم » روایاتی در رابطه با مسئله مورد بحث ما بیان شده. عمده دلیل در رابطه با بحث ما در باب ۲۸ ص ۳۳۸ جلد ۱۸ وسائل ۲۰ جلدی ذکر شده که در آنجا آمده: « محمد بن علی بن الحسین باسناده عن سليمان بن داوود المنقري عن حفص بن غياث قال: سألت أبا عبدالله (عليه السلام) من يقيم الحدود السلطان أو القاضي ؟ فقال إقامة الحدود إلى من إليه الحكم ». ورواه الشيخ باسناده عن سليمان بن داوود مثله « قال فأما إقامة الحدود فهو إلى سلطان الإسلام المنصوب من قبل الله و هم أئمة الهدى من آل محمد (صلى الله عليه وآله) ومن نصبوه لذلك من الأمراء والحكام وقد عرضوا النظر فيه إلى فقهاء شيعتهم مع الامكان » بنابراین اقامه حدود بر عهده حاکم شرع است فلذا مطالبی که صاحب عروة در این مسئله بیان کرده متعلق به مقلدین نمی باشد بلکه مربوط به فقهاء می باشد و از آنجا که فقیه به نظر خودش عمل می کند ممکن است در اینجا با صاحب عروة اختلاف نظر داشته باشد. عرض کردیم که ثبوت تعزیر در مرتبه اولین ثابت است وبنابر نظر صاحب عروة علی الأقوی در دفعه سوم باید کشته شود، خوب حالا بحثی در اینجا پیش می آید و آن اینکه آیا در مرتبه سوم هم باید تعزیر شود و بعد در مرتبه چهارم کشته شود؟ یا اینکه در همان مرتبه سوم باید کشته شود ؟ مشهور گفته اند که باید در مرتبه سوم کشته شود . حالا روایاتی را برایتان می خوانم که مقداری با این بحث ما مربوط است. ابتدا خبر دوم از باب دوم از ابواب احکام شهر رمضان واقع در ص ۱۷۹ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی را می خوانم که کلینی نقل می کند: عن محمد بن یحیی (ابو جعفر قمی) عن أحمد بن محمد بن عیسی ، که از اجلای طبقه ۷ است ، عن عثمان بن عیسی که از واقفیه است

مسئله نداشته باشیم فلذا احتمال خلاف می دهیم و احتیاط می کنیم. بعضی ها که خواسته اند توجیح کنند گفته اند که باب دماء است و شارع مقدس در باب فروج و دماء و اموال احتیاط دارد و در اینجا هم چون باب دماء است فلذا احتیاط دارد، ولی این حرف درست نیست چون احتیاط در جایی است که دلیل محکم نداشته باشیم مثل شبهات بدویّه در باب دماء و فروج و اموال که باید احتیاط کنیم چه شبهه حکمی باشد و چه موضوعیه، پس با وجود امارات و دلائل ما نمیتوانیم احتیاط کنیم. اینجا از جاهایی است که بر صاحب عروة اشکال شده من جمله آیت الله خوئی در مسند العروة که به صاحب عروة اشکال کرده و گفته که در اینجا احتیاط معنی ندارد و اصلاً اینجا جای احتیاط نمی باشد. یکی از کسانی که خواسته کلام صاحب عروة را توجیح کند مرحوم سید عبدالاعلی سبزواری در مهذب الأحکام که یکی از شروح عروة است می باشد، ایشان در جلد دهم از کتابش این طور فرموده اند که: در اینجا می توانیم به این صورت توجیح کنیم که بگوئیم برای آن فقیه هم شبهه بوجود آمده است که در این صورت باید احتیاط کند، یعنی هرگاه فقیهی نتوانست بفهمد که مسئله مانند زناست که قتل فی الرابطة و یا مثل سائر کبائر است که قتل فی الثالثة، در این صورت باید احتیاط کند، این توجیح درست نمی باشد چون صاحب عروة اول فتوی داده به اینکه علی الأقوی در دفعه سوم کشته می شود و بعد گفته و إن کان الأحوط قتله فی الرابطة، فلذا کلام صاحب عروة را نمی توان توجیح کرد و توجیح سید عبدالاعلی سبزواری هم درست نمی باشد. پس احتیاط استحبابی در جایی است که برای خود فقیه به دلیل عدم وجود دلیل شبهه ایجاد شود ولی در اینجا احتیاط استحبابی درست نیست چون ایشان علی الأقوی و با توجه به روایات و أدله فتوی داده اند یعنی شبهه ای برایشان وجود نداشته که علی الأقوی فتوی داده اند، بعد گفته اند و إن کان الأحوط که این احتیاط درست نیست.

والحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

